

گفت‌وگوی صبا با بهرام بهبهانی

با عروسک‌ها زندگی می‌کنم



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

با هم فرق داشته باشند، ولی می‌گفت نه، می‌خواهم همه چیز یکدست باشد، یعنی مدام کارم را سخت می‌کرد، من با یکسری پارچه یکرنگ و هم جنس روبه‌رو بودم و فقط باید با آن‌ها کاراکتر می‌ساختم. سعی کردم تا جایی که می‌شود، کاراکتر بسازم و صدا عوض نکنم، یعنی بیش‌تر از آن که روی پارچه‌ها متمرکز باشم، روی خودم تمرکز داشتم که بتوانم پارچه‌ها را زنده بکنم. خدا را شکر نتیجه کار بد نشد. نمایش «شنگرف» جزو کارهایی است که خودم از آن لذت می‌برم. آن یک ساعتی که روی صحنه هستم، با این پارچه‌ها از دنیا خارج می‌شوم.

غیر از شیوه اجرایی، به نظر تان نمایش «شنگرف» به لحاظ محتوا و داستان چه قدر بر تماشاگر امروز تاثیرگذار است؟ آیا می‌تواند مخاطبان را به شاهنامه جذب بکند؟

بله، یکی از چیزهایی که باید به آن توجه بکنیم، داستان‌های اصیل خودمان و شاهنامه و مولانا و... است. ما این همه فرهنگ اصیل داریم اما چرا بچه‌های ما هیچ‌کدام از این‌ها را نمی‌شناسند؟! به نظرم باید این گونه کارها، که هم عروسکی است و هم مناسب سن کودک و نوجوان و هم مناسب سن بزرگسال، بیش‌تر اتفاق بیفتد و بچه‌ها بیایند و ببینند و آشنا بشوند. امروز دیگر لازم نیست تماشاگر، رستم را با آن دبدبه و کبکبه ببیند و پس بزند. الان بچه‌ها به دنبال چیزهای جذاب و فانتزی و دنیای کودکانه خودشان هستند. من سعی کردم این اجرا برای هر قشری مناسب باشد.

طی دوازده شبی که نمایش را اجرا کرده‌ایم، تماشاگران خیلی با آن ارتباط برقرار کرده‌اند. از بازخوردهای آنها متوجه می‌شوم چه قدر داستان را دوست دارند و کاراکترها را لمس می‌کنند. این برای آن‌ها دغدغه می‌شود که شاهنامه را بخوانند و ببینند داستان‌های آن چه قابلیت‌هایی برای نمایش دارد و چه قدر برای کودکان جذاب است. نمی‌توانم بگویم این نمایش صدرصد مناسب کودکان است، ولی این که شاهنامه را به بچه‌ها و بزرگ‌ترها معرفی بکنیم، حرکت مهمی است. چند شب پیش یکی از کارگردانان حرفه‌ای تئاتر به تماشای نمایش ما آمد و از تماشاگران پرسید کدام‌تان این داستان را می‌دانستید؟ هیچ‌کس نمی‌دانست! یعنی داستان سیاوش را نود درصد تماشاگران نمی‌دانستند! اما این‌جا آشنا شدند و فهمیدند جریان چیست! اصباحر

شاهنامه‌ای نبود، ولی نمایش «شنگرف» هم ایرانی و سنتی بود، هم به نوعی عروسکی که خب تخصص من، نمایش عروسکی و اجرای تک‌نفره است.

نوعی از نقالی هم در بازی شما دیده می‌شود. آیا قبلاً نقالی را تجربه کرده بودید؟

خیر، تجربه نقالی به آن شکل مرسوم که در اجرای برخی نقالان محترم می‌بینیم، به آن زبان و حرکات، نداشتم اما نقالی زیاد دیده‌ام و آن را خیلی دوست دارم. این‌جا هم سعی کردم بازی‌ام زیاد به سبک کار نقالان شبیه نشود، یعنی خیلی عادی‌تر و روان‌تر، فقط قصه را بگویم و پیش بروم. در واقع بیشتر بازیگری کردم و البته با عروسک‌ها روی صحنه زندگی می‌کنم، یعنی آن پارچه‌ها برایم دیگر پارچه نیستند. از لحظه‌ای که پارچه را در دست می‌گیرم، برای من جان دارند و با آن‌ها زندگی می‌کنم و به آن‌ها احترام می‌گذارم و وقتی که از بین می‌روند، دیگر زندگی‌شان تمام شده.

در پروسه تمرین‌ها با کارگردان چگونه تعامل داشتید؟ آیا درباره ایده‌های اجرایی، هم نظر بودید؟

من و آقای یداللهی فقط یک بار نشستیم و متن را دور خوانی کردیم. از دفعه بعد، برخاستیم و شروع کردیم به تمرین متن. خودم بلند شدم و شروع کردم به بازی کردن با پارچه‌ها و آرام‌آرام همه چیز از دل متن درآمد و ساخته شد. علی یداللهی بسیار اهل تعامل است و به من خیلی ایده می‌داد. البته خودم هم ایده‌هایی داشتم که مطرح می‌کردم. اصلاً ذهن من بسیار عروسکی است. حتی در زندگی عادی هم این‌گونه‌ام. یعنی اگر نقش هملت را هم به من بدهند، آن قدر خلاقیت به خرج می‌دهم که ممکن است شکسپیر بلند بشود و به من اعتراض بکنند! اما در کل وقتی شروع به کار کردیم، ایده‌های مان تقریباً با تعامل پیش رفت، یعنی یک چیزهایی را کارگردان می‌دید و می‌گفت این خوب است یا فلان صحنه را کم کن یا بیش‌تر کن. من از کار کردن با آقای یداللهی بسیار لذت بردم، طوری که هر روز منتظر بودم علی بیاید، چون نمایش را در خانه خودم تمرین کردیم! با پارچه‌هایی که خودم در خانه داشتم و چند تکه پارچه که علی با خودش آورده بود. البته روزهای اول به او می‌گفتم پارچه‌ها رنگی باشد اما علی توجیه می‌کرد که دوست دارم همه چیز سفید باشد، یا مثلاً می‌گفتم جنس پارچه‌ها

احمد رضا حجاززاده - بهرام بهبهانی از هنرمندان شناخته‌شده و پرکار عرصه هنرهای نمایشی است که بیش از بیست سال تجربه فعالیت در مديوم‌های تئاتر، تلویزیون و سینما دارد. او تقریباً در اغلب شاخه‌های هنرهای نمایشی و تصویری سابقه حضور و همکاری دارد؛ از بازیگری و کارگردانی گرفته تا عروسک‌گردانی و نمایش‌نامه‌خوانی و بازیگردانی و گویندگی و طراحی و ساخت عروسک. بهبهانی این روزها با بازی در نمایش تک‌نفره «شنگرف» به نویسندگی و کارگردانی علی یداللهی روی صحنه می‌درخشد. او در این نمایش، علاوه بر نقل داستان «سیاوش» از شاهنامه فردوسی، هم‌زمان چند نقش متفاوت را با استفاده از عروسک‌های پارچه‌ای اجرا می‌کند. بازی خوب و خلاقیت او در بازی با پارچه‌ها و صداسازی برای شخصیت‌های نمایش «شنگرف»، مورد توجه و تحسین علاقه‌مندان و منتقدان تئاتر قرار گرفته است. به بهانه اجراهای این نمایش ارزشمند، با بهرام بهبهانی به گفت‌وگو نشستیم.

برای بازی در نمایش «شنگرف»، چگونه دعوت شدید؟

من با آقای یداللهی سال‌هاست در همکاری و رفاقت هستم اما قبلاً با هم تئاتر کار نکرده بودیم. در رابطه با نمایش نامه «شنگرف»، ایشان با من تماس گرفتند و درباره متن توضیح دادند. اخیراً مشکلات فراوانی داشتم که باعث می‌شد پیشنهادهای زیادی را رد بکنم اما آن چه باعث شد بازی در این نمایش را بپذیرم، ایده جذاب آقای یداللهی بود که می‌خواست نمایش را تک‌نفره اجرا بکند. اجرای نمایش تک‌نفره تخصص ویژه‌ای می‌خواهد.

پیش از این سابقه بازی در نمایش‌های تک‌نفره را داشته‌اید؟

بله، نمایش «شنگرف» سومین یا چهارمین نمایش تک‌نفره‌ای باشد که کار می‌کنم. قبلاً در کشورهای فرانسه، بلغارستان، روسیه و همین‌طور ایران نمایش تک‌نفره اجرا کرده بودم. اجرای این گونه نمایشی یکی از سخت‌ترین کارهای دنیاست و من کارهای سخت را خیلی دوست دارم. به نظرم رسید بازی در این نمایش چالش بسیار جذابی ست. البته تجربه‌های تک‌نفره قبلی من، نمایش سنتی و

